

«عفو» در قرآن کریم

دکتر اصغر افتخاری^۱
روح‌اله فرهادی^۲

چکیده

در این نوشتار گام‌های مقدماتی در جهت ارائه یک نظریه در زمینه عفو از منظر قرآن کریم برداشته شده است. «عفو» از مهم‌ترین عناصر استوارسازی ارتباطات میان فردی، آرامش فردی و فضیلت‌های اخلاقی است. با این حال، ضرورت مرزبندی و بازشناسی حوزه این فضیلت اخلاقی و محدوده و روش‌های کاربرد آن بسیار ضروری است. بنابراین نویسنده نخست به بیان معنا و مفهوم عفو در اندیشه اسلامی پرداخته است و سپس با عنایت به روش «تحلیل محتوا» و «معناشناسی»، تبیین مرزهای مفهومی و قلمرو معنایی واژه مذکور را مورد ابتناء قرار داده است. در ادامه منابع و زمینه‌ها و همچنین حوزه‌های ارتباطی آن را بازشناسانده و موارد آنها را برشمرده است. آن‌گاه ضمن تبیین ارزش و جایگاه عفو و همچنین فرایند اعمال آن در قرآن کریم، آثار مثبت ارزش اخلاقی مذکور را در عرصه‌های مختلف زندگی بررسی کرده است.

واژگان کلیدی: عفو، اسلام، قرآن کریم، تحلیل محتوا، معناشناسی

Emil: eftekhariasg@gmail.com

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع).

۲. دانشجوی دوره دکتری علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع).

Emil: farhadirouhollah@gmail.com

مقدمه

عفو در مقابل اشتباهات دیگران، از والاترین ارزش‌های اخلاقی و انسانی و نیز نشانه تعالی روح و عظمت شخصیت آدمی است. ایجاد جامعه ای منسجم و قدرتمند در گرو این است که افراد آن، از کنار بعضی از برخوردهای ناشایست افراد، با اخلاق کریمانه درگذرند و با عفو، انتقام و غضب را به محبت تبدیل سازند، در قرآن و روایات معصومین^(ع) نیز به نقش و اهمیت عفو تأکید فراوان شده؛ و از آن به عنوان بهترین فضایل اخلاقی دین اسلام یاد شده است. خداوند در آیات قرآن، عفو و بخشش بویژه در حال انتقام را می ستاید و افرادی که به این رفتار ارزشی عمل می کنند را مظهر رحمانیت خویش می شمارد (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۶۵۷) در آیتی از قرآن^۱ با آن که مجازات برابر را به عنوان اصل مقابله به مثل تأیید می کند ولی با بیان این که عفو و گذشت یکی از بهترین و کوتاه ترین راه‌های دستیابی انسان به تقوا است، می کوشد تا بیان دارد که فضیلت انسانی در عفو و گذشت از دیگری است نه در انتقام و مجازات و شرافت و کرامت انسانی نه تنها از این طریق حفظ می شود بلکه با این روش، شخص می تواند کنترل و مهار خویش را در دست گیرد و گذشت و چشم پوشی را بر غضب و انتقام مقدم دارد. همچنین پیامبر اسلام^(ص) فرموده اند: «بهترین فضایل این است که با کسی از تو جدا شود و پیوندگیری و به کسی که تو را محروم می کند عطا کنی و از آن که بر تو ستم کند در گذری^۲» (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۳۲). و نیز امام علی^(ع) آن را به تاج خصلت‌های والای انسانی تعبیر کرده و فرموده است: «العفو تاج المکارم» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۸: ۳۸۳۹). در نتیجه بخشش، دردها، کینه‌ها و ظلم‌ها کاهش می یابد و به آنها اجازه داده نمی شود که به طور مداوم به شخص، آسیب برسانند و او را به سوی تباهی بکشاند بنابراین گذشت از تقصیر دیگران به منظور حاکمیت روح صفا و صمیمیت و گسترش یکی از ارزش‌های اخلاقی در جامعه از اهمیت و ارزش ویژه‌ای در بین رفتارهای ارزشی و اخلاقی پسندیده برخوردار می باشد (مهدوی کنی، ۱۳۸۰: ۵۹۱). در قرآن، ۳۱ آیه به صورت مشخص به موضوع عفو پرداخته که در مقاله حاضر از طریق روش «تحلیل محتوا» و همچنین «معناشناسی» به بررسی عفو در پرتو ۳۱ آیه قرآن کریم می پردازیم.

۱. بقره/ ۲۳۷؛ نحل/ ۱۲۶.

۲. افضل الفضائل من قطعک و تعطی من حرمتک و تصفح عن ظلمک.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. معنای لغوی

عفو در اصل به معنای «صرف نظر کردن و رها کردن» است؛ از این رو، برای بیان صرف نظر کردن از عقوبت گناه، «عفا عنه» به کار می‌رود (ابن فارس، بی‌تا، ج ۴: ص ۵۶). در مورد پشم و موی حیوان که بی توجهی و عدم پیرایش آن، افزایش آن را موجب شده، عفو معنای «تکثیر» می‌دهد؛ بدین مناسبت، در معنای «نمو و افزایش» نیز به کار رفته است و در عبارت قرآنی حَتَّىٰ عَفُوا و قالوا^۱ به همین معناست (ابن فارس، بی‌تا، ج ۴: ص ۵۸-۵۹). «عفا» به معنای «خاک» نیز آمده است که چنین معنایی بدین جهت است که به خاک توجهی نمی‌شود (ابن فارس، بی‌تا، ج ۴: ص ۵۸) ابن فارس هرچند «ترک» و «طلب» را دو معنای اصلی برای عفو ذکر می‌کند، اما برای معنای دوم، موارد استعمال را اندکی برمی‌شمارد و تمایل دارد آن را نیز به معنای نخست بازگرداند (ابن فارس، بی‌تا، ج ۴: ص ۶۱).

۲-۱. معنای اصطلاحی

عفو، فرایند گذشتن از خطا است و ویژگی‌ای است که در اثر آن، فردی که در معرض مشاجره بین فردی (مانند اهانت) قرار گرفته است، خطای فرد متخاصم را نادیده می‌گیرد و انگیزه‌های اصلی برای انتقام‌جویی و اجتناب از تماس با فرد مهاجم کاهش می‌یابد و سایر انگیزش‌های سودمند ارتباطی (مانند ایجاد ارتباط مثبت و همدلی) دوباره زنده می‌شوند.

در تعریف دیگری «عفو»، گذشتی است که بنا بر مصالح فردی و اجتماعی از ناحیه زمامداری کشور متوجه مجرمین یا محکومین می‌شود» (هاشمی، ۱۳۸۴، ج ۲، ۸۲-۸۴). همچنین عفو در اصطلاح حقوق کیفری «به معنای اقدامی است که با تصویب نهادهای حکومتی اعم از نهاد رهبری و مجلس قانونگذاری، به منظور موقوف ماندن تعقیب متهمان و یا بخشودگی تمام یا قسمتی از مجازات محکومان صورت می‌گیرد» (اردبیلی، ۱۳۸۰، ج ۲، ۲۶۱).

در علوم روانشناختی نیز عفو فرایند گذشتن از خطا و محو عوارض آن است که در فرد با انگیزه آرامش درونی خویش، بهبود روابط با خاطی و یا به منظور انجام رفتاری ارزشی صورت می‌گیرد و دارای پیامدهای زیر است: الف) رهایی از احساس منفی نسبت به خاطی، ب) غلبه بر رنجش حاصل از بدی، ج) پرهیز از عصبانیت، دوری، جدایی و تلافی نسبت به خاطی (خدایاری فرد، ۱۳۸۱: ۴۰).

۱-۳. مرزهای مفهومی

عفو مفهومی پسینی است و در نتیجه زائل شدن حق (مادی و معنوی، تکوینی و تشریحی، دنیوی و اخروی) امکان حدوث دارد و هنگامی که فرد از حق خود می‌گذرد «عفو» اتفاق می‌افتد. علامه طباطبایی در این رابطه می‌گوید: «... اعمال حق همیشه واجب نیست لیکن چنان هم نیست که ترک آن همیشه و در هر جا صحیح باشد، زیرا اگر ترک اعمال حق را در هر جا و برای همیشه تجویز کنیم حکم فطری به ثبوت حق را لغو کرده‌ایم» (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۶: ۵۱۹). بنابراین حق یک پدیده ثابت و فطری است و در مواردی که با عفو نسخ می‌شود، نسخ مصداقی صورت می‌پذیرد و نه نسخ مفهومی. از این رو، عفو یک قضیه مهملی است که «باید دید حکمت و مصلحتی برای عفو هست یا نه، اگر بود عفو جائز است و گرنه رعایت احترام قوانینی و [حقوقی] که حافظ بنیه اجتماع و سعادت بشر است لازم‌تر است» (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۶: ۵۱۹).

۲. روش تحقیق

انتخاب روش مناسب برای فهم مفهوم عفو در قرآن به منظور درک دیدگاه اسلامی به دلیل خاص و نمونه بودن، نیازمند دقت فراوانی است. در تحقیق حاضر از دو روش تحلیل محتوا و معناشناسی زبانی استفاده شد.

تحلیل محتوا روشی است که «بتوان بر اساس آن، خصوصیات زبانی یک متن گفته یا نوشته شده را به طور واقع‌بینانه یا عینی و به طور سیستماتیک، شناخت و از آنها نیز استنتاج‌هایی درباره مسائل غیرزبانی؛ یعنی درباره خصوصیات فردی و اجتماعی گوینده یا نویسنده و نظرات و گرایش‌های وی، نمود» (رفیع پور، ۱۳۸۴: ۱۰۹).

در نظر گرفتن این نکته ضروری است که تحلیل محتوا، تنها یک ابزار است؛ «تحلیل محتوا تکنیکی پژوهشی است برای استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها در مورد متن آنها. تحلیل محتوا به مثابه تکنیکی پژوهشی، شامل شیوه‌های تخصصی در پردازش داده‌های علمی است. هدف تحلیل، مانند همه تکنیک‌های پژوهشی، فراهم آوردن شناخت، بینشی نو، تصویر واقعیت و راهنمای عمل است. تحلیل محتوا فقط ابزار است و بس» (کرپیندورف، ۱۳۷۸: ۲۵).

پس از مطالعه انواع فنون روش تحلیل محتوا، در این تحقیق فن تحلیل محتوای مضمونی بر مبنای واحد تقطیع جملات به صورت کمی و با تأکید بر کلید واژگان اصلی و فرعی اتخاذ شده است.

همچنین در این مقاله در پی کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک معنا از طریق زبان هستیم. به همین سبب از هر دانشی که به این حوزه مربوط شود، یا تحلیلی جدید

از معنا به دست دهد، سود می‌جوییم. در تفسیر از دانش‌های زیادی مانند واژه‌شناسی، قواعد و دستور زبان و بلاغت استفاده می‌شود. معناشناسی نیز یکی از این دانش‌ها است که در آن درباره کیفیت معنا و چگونگی دلالت نشانه‌ها سخن گفته می‌شود، از این رو، این دانش می‌تواند از مباحث جدید و مفید در حوزه علوم قرآن باشد و به صورت مبنایی و مقدماتی در علم تفسیر از آن استفاده شود. ایزوتسو این مبانی را برای فهم معانی قرآن به کار برد. نخستین نکته‌ای که ایزوتسو در مقدمه کتاب خدا و انسان در قرآن می‌گوید این است که قرآن در فرهنگ عرب جاهلی انقلاب فرهنگی پدید آورد؛ اما چگونه؟ قرآن این انقلاب را به واسطه ایجاد مفاهیم جدید به وجود آورد. جهان بینی قرآنی در حقیقت زاینده مفاهیم قرآنی است (ایزوتسو، ۱۳۸۴: ۶)

قرآن نظام معنایی جدیدی به عرب جاهلی بخشید. هر نظام معنایی نیز جهان بینی خاصی دارد. این جهان‌بینی نیز انقلاب فکری را پدید آورد. اما آیا قرآن واژگان جدیدی وضع کرد و به واسطه آنها معنای جدیدی آفرید یا همان واژگان کهن را به خدمت گرفت و معنایی جدید به آنها داد. ایزوتسو می‌گوید قرآن از همان واژگان استفاده کرده و معنای جدیدی به آنها داده است (ایزوتسو، ۱۳۸۴: ۸).

یکی از مباحث مهم این روش، معناداری و بی‌معنایی است و در تفسیر قرآن ما با واژه‌ها و جمله‌هایی مواجه هستیم که گاه به نظر می‌رسد در ظاهر بی‌معناست، که تنها با بافت مناسب خود معنا پیدا می‌کند و اگر این بافت مناسب مشخص نشود، معنا به خوبی فهم و تبیین نمی‌شود. همچنین یکی از امتیازات مهم دیگر این روش، کاوش در دلالت‌های بیرون زبانی است. دلالت‌های بیرون زبانی شامل مسائل بسیاری می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها تعیین و تشخیص مفهوم در خارج و به تعبیری مصداق است. در مباحث معناشناسی مصداق جایگاه مهمی در تبیین و تمرکز معنا و قدرت فراگیری یا محدود کردن معنا نشان داده شده است. در حالی که در کاوش‌های تفسیری پژوهی، مصداق از حوزه تفسیر بیرون است. اما نمی‌توان تأثیر دلالت‌های بیرون زبانی را در فهم معنا نادیده گرفت.

۳. سیمای کلی آیات عفو

مطالعه قرآن کریم به ما نشان می‌دهد آیاتی که مشتمل بر واژه عفو بوده، به روشنی گویای موضوع عفو و گذشت هستند. هرچند معانی دیگری نظیر فزونی و کثرت و همچنین توسط نیز در قرآن مشاهده گردید. با این وجود در مقاله حاضر تلاش گردید به موضوع عفو تنها از منظر مدخل «ع ف و» و مشتقات آن پرداخته شود و از سایر واژگان متناظر و هم‌تراز اجتناب گردد. در این میان از مجموع آیات قرآن کریم ۳۱ آیه

در بردارنده واژه عفو و مشتقات آن است که از زاویه دید منابع و زمینه‌ها، عاملان، مشمولان، روش‌ها و آثار عفو قابل توضیح و تبیین هستند.

۴. منابع عفو

از سیاق آیات قرآن مجید این گونه استنباط می‌شود که عفو در دو صورت کلی امکان بروز و ظهور می‌یابد؛ قدرت و مصلحت. در واقع عامل عفو برخوردار از قدرت اعمال حق است و به دلیل مصلحت از آن صرف نظر می‌کند. امام صادق (ع) در این رابطه می‌فرماید: عفو کردن و از تقصیر گذشتن با وجود قدرت و انتقام، طریقه پیامبران و متقیان است و معنی عفو آن است که هر گاه از کسی جرمی و تقصیری نسبت به تو واقع شود، پی او نروی و به او اظهار نکنی و از ظاهر و باطن فراموش کنی و احسان را به او زیاده‌تر از پیش کنی (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۳۹).

در آیه ۶۶ سوره توبه خداوند طایفه‌ای از منافقین را به دلیل جرم قصد ارتکاب به قتل پیامبر (ص) به دلیل مصلحتی عفو می‌کند و آن مصلحت دین و دعوت به توبه است (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۹: ۴۵۰-۴۵۱).

جدول ۱: منابع عفو در قرآن

ردیف	منبع	معنا	فراوانی
۱	قدرت	تقدم رحمت الهی بر غضب ^۱ قدرت الهی برای تخفیف احکام ^۲ توجه به قدرت الهی ^۳	۱۰

۱. فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا. نساء/ ۹۹.

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا. نساء/ ۴۳ و أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَسْبِقَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَنْتُمْ لِلنَّاسِ لِبَاسٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ. بقره/ ۱۸۷.

۳. إِنْ تُبَدُّوا خَيْرًا أَوْ تُخَفَّوْهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءِ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا. نساء/ ۱۴۳ و حج/ ۶۰ و شوری/ ۲۵.

	عفو گناهکار جلوه ای از فضل الهی ^۱ عفو پرتوی از حلم الهی ^۲ عفو پرتوی از ولایت ^۳ عفو در زمان قدرت ^۴		
۲	عفو به دلیل تسهیل ^۵ عفو به دلیل ترک اولی ^۶ عفو به دلیل جلب محبت الهی ^۷ عفو به دلیل ممانعت از مصیبت ^۸ عفو به دلیل همبستگی اجتماعی ^۹ عفو به دلیل رأفت اسلامی ^{۱۰}	مصلحت	۹

۵. زمینه‌ها و لوازم عفو

مراد از زمینه و لوازم عفو، بسترها و روش‌های شکل‌گیری آن است. در قرآن مجید در آیاتی که «عفو» را توضیح می‌دهد به امکاناتی نظیر توبه، شفاعت، تسهیل، توسط و اشاره گردیده است. علامه طباطبایی در جلد اول و جلد چهارم المیزان به صورت مشخص دو روش توبه و شفاعت را توضیح داده است و ما در ادامه به صورت

۱. وَ لَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَ تَنَارَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ عَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَّفَكُمْ عَنْهُمْ لِيُنَبِّئَكُمْ وَ لَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ.
۲. إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَ لَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ. آل عمران / ۱۵۵.
۳. لَا يَكْفُلُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. بقره / ۲۸۶.
۴. بقره / ۱۰۹.
۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَّلَ لَكُمْ تَسْوُوكُمْ وَ إِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنزَلُ الْقُرْآنُ تُبَدَّلَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَ اللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ. مائده / ۱۰۱.
۶. عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَبْتَ لَهُمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ تَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ. توبه / ۴۳.
۷. الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ آل عمران ۱۳۴ و لَا يَأْتَلِ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَ السَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ الْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لِيَعْفُوا وَ لِيَصْفَحُوا أَلَا تَحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ. نور / ۲۲ و تغابن / ۱۴ و مائده / ۱۳.
۸. شوری / ۳۴.
۹. شوری / ۴۰.
۱۰. بقره / ۱۷۸.

استنتاجی و با استفاده از منابع دینی بر اساس آیات عفو سایر روش‌ها را به صورت مختصر توضیح می‌دهیم.

در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران، نرم خوئی به عنوان یکی از اسباب عفو از سوی خداوند به رسول اکرم^(ص) توصیه می‌شود. در تفسیر المیزان ذیل آیه مذکور جمله «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» برای این آمده که سیره رسول خدا^(ص) را امضا کرده باشد، «چون آن جناب قبلاً هم همین طور رفتار می‌کرده و جفای مردم را با نرم‌خویی و عفو و مغفرت مقابله می‌کرده و در امور با آنان مشورت می‌کرده است، به شهادت اینکه اندکی قبل از وقوع جنگ با آنان مشورت کرد، و این امضا اشاره‌ای است به این که رسول خدا^(ص) بدانچه مامور شده عمل می‌کند و خدای سبحان از عمل او راضی است» (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۸۷).

اصلاح یکی دیگر از لوازم عفو است و از سیاق آیات این‌گونه استنباط می‌شود که مراد از اصلاح این است که مظلوم بین خود و پروردگارش را اصلاح کند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۲: ۱۵۳). همچنین برخی نیز از اصلاح، اصلاح بین ظالم و مظلوم را مراد کرده‌اند که عفو و اغماض در آن صورت می‌گیرد (طباطبایی، ج ۱۸: ۹۴). همچنین استفاده از لوازم اصلاح در عفو میان ظالم و مظلوم موجب خاموش شدن غائله و فتنه می‌گردد (حسینی همدانی، ج ۱۹: ۵۳؛ طبری، ۱۳۵۶، ج ۶: ۱۶۵۳).

همچنین شارع مقدس ذیل آیه ۱۰۱ سوره مائده مؤمنین را به عدم پرسش از سئوالات بیهوده آنچنان که عرصه را برای دینداری تنگ می‌کند دستور می‌دهد. «مانند سئوالاتی که بنی‌اسرائیل درباره خصوصیات گاوی که مامور به ذبح آن شده بودند می‌کردند، و در نتیجه اینقدر آن گاو را محدود و مشخص کردند تا منحصر شد به یک گاو، و مجبور شدند به قیمت گزافی خریداری کنند» (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۶: ۲۲۴). لذا شارع در مقام تشریح به منظور تسهیل و تخفیف برخی از احکام و شرایع را که مردم و جامعه را دچار عسر و حرج می‌سازد، عفو کرده است. علامه طباطبایی در تفسیر آیه مذکور اشاره دارد که «عفا الله» به هر حال تعلیل به عفو می‌فهماند که مراد از کلمه اشیا خصوصیات است راجع به احکام، و شرایع و قیود و شرایطی است راجع به متعلقات آنها، و اینکه اگر اسمی از آن نبرده نه از روی غفلت و یا سهل‌انگاری بوده، بلکه منظور خدای سبحان، تخفیف بر بندگان و تسهیل امر بر آنان بوده، چنان که در همین آیه اشاره به این معنا کرده و فرموده: «وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ» بنابر این، ساختن و پرداختن سئوالاتی از پیش خود در حقیقت خود را بیهوده به زحمت انداختن و در دینداری کار را بر خود تنگ گرفتن است، و البته این باعث بد حالی و اندوه می‌شود، چون در حقیقت اینگونه سئوالات رد عفو پروردگار و نپذیرفتن آن است، با اینکه خدای تعالی

جز تسهیل امر و تخفیف در تکلیف بندگان و تحکیم صفت مغفرت و حلم خود غرض دیگری از آن ندارد» (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۶: ۲۲۴).

۶. حوزه‌های عفو

از آنجایی که مصادیق کلی عفو و گذشت در قرآن به دو دسته اصلی عفو از سوی خداوند و عفو در جامعه انسانی تقسیم می‌شود- مراد از جامعه انسانی قلمرو حکومت و قلمرو عمومی- لازم است به دو نوع متفاوت از فلسفه عفو توجه کرد. عفو از سوی خداوند برای ترغیب بندگان به شکرگزاری و سپاس صورت می‌گیرد و خداوند با هدف ایجاد انگیزه‌های گرایش خلق به سوی خالق در مقام ربوبیت، به گذشت از خطا و گناهان انسان اقدام می‌کند و با آن که بنده مستحق مجازات و تنبیه سریع دنیوی و یا اخروی است از وی می‌گذرد. این معنا را می‌توان از آیات ۵۱ و ۵۲ سوره بقره به دست آورد که به فلسفه و علت عفو و گذشت از سوی خداوند اشاره دارد.

اما هدف و فلسفه‌ای که قرآن برای گذشت و عفو مردم از یکدیگر بیان می‌کند، عبارت از دستیابی بندگان به تقوا و پرهیزگاری^۱، تقویت همبستگی اجتماعی^۲، رأفت اسلامی^۳ اسلامی^۳ محبت^۴ و غفران^۵ الهی.

بنابراین به منظور شناسایی حوزه عفو و نهایتاً عوامل و مضمولان عفو لاجرم باید به کانون‌های درگیر در فرایند عفو اشاره داشت. در آیات قرآن ۳ کانون و حوزه ارتباطی قابل شناسایی است؛ خداوند، حکومت و انسان.

۱. بقره / ۲۳۷.

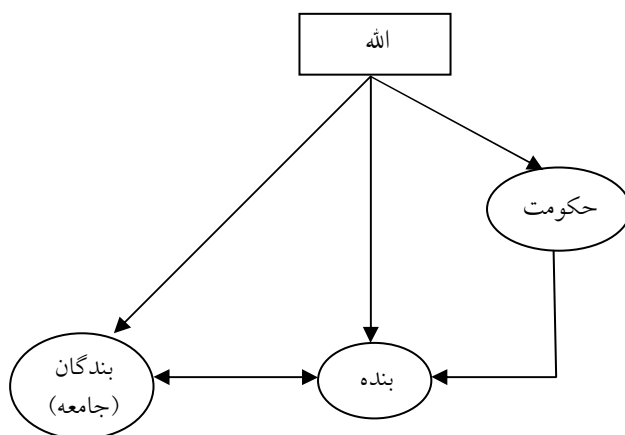
۲. شوری / ۴۰.

۳. بقره / ۱۷۸.

۴. آل عمران / ۱۳۴.

۵. تغابن / ۱۴.

نمودار ۱: حوزه ارتباطی عفو



۶-۱. حوزه ارتباطی ۱: در آیات مختلف قرآن به عفو خداوند نسبت به انسان اشاره شده است. البته مراد از انسان به صورت کلی است و بر مصادیقی همچون مسلمان^۱، مؤمن^۲، مستضعف^۳، کافر^۴، منافق^۵ اشاره دارد. البته همان طور که پیش از این اشاره شد عفو در بردارنده اصول و قواعدی است که باعث انحراف حق نگردد. در آیه ۹۹ سوره نساء خداوند کسانی را که برای ترک هجرت عذر دارند، معاف می‌کند اما ایشان را به دلیل جهل‌شان عفو می‌کنند و مورد مغفرت قرار می‌دهد (اندلسی، ۱۴۲۰ ق، ج ۴: ۴۳). علامه طباطبایی در تفسیر آیه مذکور بر این باور است که «این طائفه هر چند که گناهی عمدی مرتکب نشده‌اند، چون به علت جهلی که دچار آن هستند در آنچه کرده‌اند معذورند، و لیکن... آدمی‌زاده همواره در بین سعادت و شقاوت خود دور می‌زند و در شقاوتش همین بس که در صدد تحصیل سعادت خود برنیاید، در نتیجه هیچ انسانی فی نفسه بی‌نیاز از عفو الهی نیست، او نیازمند به این است که خدای عز و جل با عفو خود اثر شقاء را از دل او بزدايد، حال چه اینکه او فردی صالح باشد و یا طالح و یا هیچ‌کدام، و به همین جهت است که خدای تعالی در جمله مورد بحث امید عفو از آنان را ذکر کرده»

۱. آل عمران / ۱۵۵.

۲. آل عمران / ۱۵۲.

۳. نساء / ۹۹.

۴. بقره / ۱۰۹؛ مائده / ۱۵.

۵. توبه / ۶۶.

(طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۵: ۸۱-۸۲).

۶-۲. **حوزه ارتباطی ۲:** مصداق حوزه ارتباطی مذکور آیه ۴۳ سوره توبه است که پیامبر اسلام مورد عفو خداوند به دلیل اجازه داده به بعضی از منافقین در جریان واقعه تبوک قرار می‌گیرند و در اینکه عتاب و سرزنش فوق که توأم با اعلام عفو پروردگار است دلیل بر آن است که اجازه پیامبر(ص) کار خلافی بوده، یا تنها ترک اولی بوده، و یا هیچ‌کدام، در میان مفسران گفتگو است. انصاف این است که در این آیه هیچ‌گونه دلیلی بر صدور گناهی از پیامبر(ص) وجود ندارد، حتی در ظاهر آیه، زیرا همه قرائن نشان می‌دهد چه پیامبر(ص) به آنها اجازه می‌داد و چه اجازه نمی‌داد این گروه منافق در میدان تبوک شرکت نمی‌جستند، و به فرض که شرکت می‌کردند نه تنها گرهی از کار مسلمانان نمی‌گشودند بلکه مشکلی بر مشکلات می‌افزودند. بنابراین هیچ‌گونه مصلحتی از مسلمانان با اذن پیامبر فوت نشد، تنها چیزی که در این میان وجود داشت این بود که اگر پیامبر به آنها اجازه نمی‌داد مشت آنها زودتر باز می‌شد و مردم به ماهیتشان زودتر آشنا می‌شدند ولی این موضوع چنان نبود که از دست رفتن آن موجب ارتکاب گناهی باشد، شاید فقط بتوان نام ترک اولی بر آن گذارد به این معنی که اذن دادن پیامبر در آن شرایط و در برابر سوگندها و اصرارهای منافقین هر چند کار بدی نبود اما ترک اذن از آن هم بهتر بود تا این گروه زودتر شناخته شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۴۲۸-۴۳۰).

۶-۳. **حوزه ارتباطی ۳:** آن دسته از آیاتی که خداوند گناهان جامعه دینی و یا شرک بنی‌اسرائیل را مورد عفو قرار می‌دهد، سومین قلمرو ارتباطی عفو است. در آیه سوره وقتی خداوند جامعه ایمانی را از سؤالاتی که ایشان را در عسر و حرج انداخته و موجب تکلیف ما لایطاق برای ایشان می‌شود نهی می‌کند. علامه طباطبایی در تفسیر آیه مذکور متذکر می‌شوند که مراد از عفو الهی «اموری است راجع به احکام، و شرایع و قیود و شرایطی است راجع به متعلقات آنها، و اینکه اگر اسمی از آن نبرده نه از روی غفلت و یا سهل‌انگاری بوده، بلکه منظور خدای سبحان، تخفیف بر بندگان و تسهیل امر بر آنان بوده، چنان که در همین آیه اشاره به این معنا کرده و فرموده: "وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ" بنابراین، ساختن و پرداختن سؤالاتی از پیش خود در حقیقت خود را بیهوده به زحمت انداختن و در دینداری کار را بر خود تنگ گرفتن است، و البته این باعث بد حالی و اندوه می‌شود، چون در حقیقت این‌گونه سؤالات رد عفو پروردگار و نپذیرفتن آن است، با اینکه خدای تعالی جز تسهیل امر و تخفیف در تکلیف بندگان و تحکیم صفت مغفرت و حلم خود غرض دیگری از آن ندارد. پس ای کسانی که ایمان آورده‌اید از رسول الله(ص) از چیزهایی که شریعت او از آنها ساکت است و خدا هم از

روی عفو و تسهیل و تخفیف بر بندگان متعرض بیان آنها نشده سؤال مکنید، زیرا آنها خصوصیات هستند که سؤال از آنها در حین نزول قرآن- یعنی ساعتی که هر چه از احکام دین در آن ساعت سؤال شود- بیانش نازل می‌شود و باعث بد حالی و اندوهتان می‌گردد» (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۶، ۲۲۴-۲۲۵).

۴-۶. حوزه ارتباطی ۴: توصیه خداوند برای گذشت از خطای فراریان جنگ احد^۱، احسان پیامبر(ص) همراه با عفو ایشان^۲ نسبت به آن دسته از بنی اسرائیل که پیمان شکنی نکردند، از نظر خود ستایی بعض احکام را تغییر ندادند و فرامین الهی را تأویل نکردند و در اجتماعات اسلامی تفرقه و تشتت ایجاد نکردند و از مرز اسلام خارج نگشتند (حسینی همدانی، ج ۴: ۳۷۸). همچنین خداوند به پیامبر خود سفارش به عفو می‌کند^۳ که «همواره بدی‌های اشخاصی که به تو بدی می‌کنند ببوشان و از حق انتقام که عقل اجتماعی برای بعضی بر بعضی دیگر تجویز می‌کند صرف نظر نما و هیچ وقت این رویه را ترک مکن، البته این چشم‌پوشی نسبت به بدی‌های دیگران و تضییع حق شخص است، و اما مواردی که حق دیگران با اسائه به ایشان ضایع می‌شود عقل در آنجا عفو و اغماض را تجویز نمی‌کند، برای اینکه عفو در این‌گونه موارد وادار کردن مردم به گناه است، و مستلزم این است که حق مردم به نحو اشد تضییع گردد و نوامیس حافظ اجتماع لغو و بی‌اثر شود، و تمامی آیات ناهیه از ظلم و افساد و کمک به ستمکاران و میل و خضوع در برابر ایشان و بلکه تمامی آیاتی که متضمن اصول شرایع و قوانین است از چنین اغماضی جلوگیری می‌کند، و این خود روشن است» (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۸، ص: ۴۹۶).

۵-۶. حوزه ارتباطی ۵: یکی از مهم‌ترین حوزه‌های ارتباطی در فرایند عفو، عفو در جامعه انسانی و روابط اجتماعی است. قرآن کریم اساس رابطه مسلمانان با یکدیگر را بر برادری (اخوت) مبتنی می‌سازد.^۴ از نگاه تاریخی نیز مبنای تشکیل جامعه اسلامی، عقد اخوت بود (آیتی، ۱۳۶۹: ۲۳۵). کلمه «مؤمنین» در قرآن و نیز قراردادی که پیامبر اسلام (ص) در آغاز کار خویش در مدینه، میان مسلمانان منعقد ساخت، مؤید این مطلب است. این مفهوم توانست در کاهش پیوندهای طایفه ای که نوعاً مبنای جاهلی داشت مؤثر افتد و افراد ناخویشاوند را به دلیل ایمانشان به خداوند با یکدیگر متحد

۱. فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ. آل عمران / ۱۵۹.

۲. فَبِمَا نَفْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَ جَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ نَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَ لَا تَرَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِبَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. مائده / ۱۳.

۳. اعراف / ۱۹۹.

۴. حجرات / ۱۰.

عفو در قرآن کریم ۱۲۷

کند (جعفریان، ۱۳۷۸: ۴۳). عنصر اخوت در همه دوره‌های تاریخی مسلمانان، عامل ایجاد همدردی و احساس مشترک در میان آنها بوده است. بنابراین، باید آن را از عمیق‌ترین عناصری دانست که وجدان دینی امت اسلامی را تشکیل داده است. حاکم شدن فرهنگ عفو در جامعه مزیت و مصلحتی دارد که باعث نشر رحمت و انگیزه رأفت می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص: ۶۵۷). «فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ»^۱ وعده جمیلی است به کسانی که به جای انتقام عفو و اصلاح می‌کنند. و ظاهراً مراد از اصلاح این باشد که مظلوم بین خود و پروردگارش را اصلاح کند. بعضی هم گفته‌اند: مراد از اصلاح، اصلاح بین خود و ظالم بر خویش است، به اینکه عفو و اغماض کند» (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۱۸، ۹۵).

این در حالی است که مهم‌ترین جلوه و کارکرد عفو در این حوزه ارتباطی، در رفتار و مواجهه با مخالفان و بیگانگان بروز می‌کند. عفو و مدارای اسلامی در رفتار با غیر مسلمانان بر دو اصل اساسی استوار است؛ یکی اصل آزادی و اختیار تمام عیار انسان در پذیرش دین حق، و دیگری اصل تحمل عقیده مخالف و همزیستی مسالمت‌آمیز با صاحبان اندیشه غیر مسلمان و پیروان ادیان غیر اسلامی به شرطی که منفعلانه و از سر ناچاری و ضعف نباشد.

در مورد آزادی و اختیار انسان در پذیرش اصل دین، اسلام به هیچ روی افراد را به زور و اجبار به دین دعوت نکرده و چه بسا از تحمیل و اجبار باز داشته است؛^۲ زیرا ایمان امری قلبی است که از راه زور حاصل نمی‌شود و چنانچه تحمیل و پذیرش در دین مؤثر باشد، به نفاق و دورویی خواهد انجامید. بنابراین، بر اساس آموزه‌های اسلامی و قرآنی مبنی بر عدم تحقق دین و ایمان با اکراه و اجبار، در مقام دعوت به دین، هرگز مجوزی برای اعمال خشونت و اجبار، حتی خشونت کلامی (اهانت، تمسخر و تحقیر)، نسبت به پذیرش دین وجود ندارد. از سوی دیگر، طبق نص صریح قرآن دعوت مردم به دین باید با «حکمت» و «موعظه حسنه» و «مجادله احسن» با بهترین روش و بر اساس گفتگو و اندیشه و احترام متقابل باشد.^۳

یکی دیگر از اصول اساسی عفو، تحمل عقاید مخالف است. اساساً به رسمیت شناخته شدن ادیان متکی به وحی الهی در قرآن، از ابتدا مبنایی دینی از تساهل و مدارا با غیر مسلمانان را به اسلام داده است. همچنین، در مقام عمل نیز اسلام به پیروان ادیان آسمانی دیگر اجازه می‌دهد که در جامعه مدنی اسلامی عقایدشان را حفظ و مراسم و

۱. شوری / ۴۰.

۲. بقره / ۲۵۶؛ یونس / ۹۹؛ عنکبوت / ۴۶.

۳. زمر / ۱۸؛ نحل / ۱۲۵.

مناسک دینی خود را اجرا کنند.

خداوند در قرآن، یهودیان، مسیحیان، صابئان و مجوس را به عنوان اهل کتاب معرفی می‌کند و در آیه‌های فراوانی خواستار برقراری روابط دوستانه و همزیستی مسالمت‌آمیز با آنها است^۱. بدیهی است، در این مورد استثناهایی نیز وجود دارد؛ از جمله، کسانی از اهل کتاب که به انکار حق مبادرت ورزند و به جنگ و خصومت با مسلمانان اقدام نمایند، مشمول عفو نخواهند شد.

جدول ب: حوزه‌های ارتباطی عفو در قرآن

ردیف	حوزه ارتباطی	بسته معنایی	فراوانی
۱	الله - بنده	عفو از خطاها، از اوصاف خداوند است ^۲ . ضرورت امید به عفو الهی، برای معذوران از ادای تکالیف الهی ^۳	۱۲
۲	الله - حکومت	عفو خداوند از پیامبر (ص) در اجازه وی به متخلفان جنگ تبوک ^۴	۱
۳	الله - بندگان	عفو از خطاهای مؤمنان، از اوصاف خداوند است ^۵ . امیدوار ساختن مستضعفان ناتوان از هجرت، به بخشوده شدن از سوی خدا ^۶ . گناه بنی اسرائیل، مورد عفو خداوند ^۷ . عفو برخی از منافقین ^۸	۱۱
۴	حکومت - مردم	توصیه خداوند به پیامبر (ص) برای عفو مستمر ^۹ . عفو پیامبر از بنی اسرائیل مورد تشویق الهی ^{۱۰}	۴

۱. بقره/۱۰۹ - آل عمران/۶۴.

۲. نساء/۴۳؛ نساء/۱۴۹؛ بقره/۱۸۷؛ آل عمران/۱۵۲؛ آل عمران/۱۵۵؛ بقره/۲۸۶؛ حج/۲۲؛ شوری/۲۵؛ شوری/

۳۰؛ شوری/۳۴؛ مجادله/۲

۳. نساء/۹۹.

۴. توبه/۴۳.

۵. نساء/۴۳؛ نساء/۱۴۹؛ بقره/۱۸۷؛ آل عمران/۱۵۲؛ مائده/۹۵؛ مائده/۱۰۱؛ بقره/۲۸۶.

۶. نساء/۹۹.

۷. بقره/۵۲؛ نساء/۱۵۳.

۸. توبه/۶۶.

۹. اعراف/۱۹۹.

۱۰. مائده/۱۳.

	فراخوانده شدن پیامبر به عفو و گذشت از خطاکاران ^۱ خطاکاران ^۱ عفو خطاهای اهل کتاب ^۲		
۹	نیکی به مردم، در آشکار و نهان، و گذشت از بدی های ایشان، در پی دارنده عفو الهی ^۳ تحمل در برابر عمل ناشایست دیگران و عفو، بهتر از مقابله به مثل، نزد خداوند است ^۴ عفو ابزار عمل به انفاق است ^۵ عفو موجب ایجاد محبت و رافت اجتماعی می شود ^۶ عفو و گذشت از مردم، موجب وارد شدن در زمره نیکوکاران می شود ^۷ تشویق مسلمانان به عفو توطئه گران اهل کتاب ^۸ عفو و چشم پوشی از حقوق خویش نزدیک تر به تقوا ^۹ عفو و گذشت از موجبات جلب رحمت الهی ^{۱۰}	مردم- مردم	۵

۷. آثار عفو

هرگاه عفو و گذشت های بزرگوارانه و چشم پوشی های کریمانه، به شیوه ای آگاهانه انجام بگیرد، برکت ها و سازندگی های فراوانی را به همراه خواهد داشت. بی شک چنین عفوی، برخوردار از فرایند و چارچوب اصولی برگرفته از قرآن است. همان طور که پیشتر اشاره گردید عفو مفهومی پسینی است که در پرتو دو منبع قدرت و مصلحت عاملان عفو اتفاق می افتند. در واقع صاحبان حق به دلیل مصالحی از حق خود می گذرند. حال آنکه چنان که اشاره شد چنین عفوی با عنایت به یک سلسله روش ها و ابزارهایی روی می دهد. علامه طباطبایی عنوان می دارند این پدیده دارای آثار تکوینی و تشریحی است. «و نیز ... معنای عفو و مغفرت منحصر در آثار تشریحی و اخروی نیست

۱. آل عمران / ۱۵۹.
۲. مائده / ۱۵.
۳. نساء / ۱۴۹.
۴. شوری / ۴۰.
۵. بقره / ۲۱۹.
۶. بقره / ۱۷۸.
۷. آل عمران / ۱۳۴.
۸. بقره / ۱۰۹.
۹. بقره / ۲۳۷.
۱۰. نور / ۲۲؛ تغابن / ۱۴.

بلکه شامل آثار تکوینی و دنیایی نیز می‌شود، به شهادت اینکه در قرآن کریم در همین موارد استعمال شده است، از آن جمله فرموده: "وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ" و این آیه به طور قطع شامل آثار و عواقب سوء دنیایی گناهان نیز هست (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص: ۷۹).

۱-۷. آثار دنیوی

۱-۱-۷. حصول تقوا

«اگر شما گذشت کنید، به پرهیزگاری نزدیک‌تر است.»^۱ بر این اساس، یکی از آثار بخشش، نزدیک بودن بخشش به تقوا می‌باشد که این امر از دو جهت است: الف- کسی که از حق خود می‌گذرد و آن را می‌بخشد، قطعاً می‌تواند مطمئن باشد که در این گرفتن حق، به هیچ وجه اشتباه نکرده و حق دیگری را پایمال نکرده است، بنابراین گذشت به تقوا نزدیک‌تر است. ب- کسی که با گذشت از حق قانونی و شرعی خود صرف نظر می‌کند، امید است که نافرمانی و گناه خدا را - در گرفتن آنچه حق اوست - نکند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۳: ۴۹).

۲-۱-۷. موجب عزت

عفو و گذشت سبب عزت می‌شود؛ چرا که در نظر مردم نشانه بزرگواری، شخصیت و سعه صدر است، در حالی که انتقام جویی در مسائل شخصی نشانه عدم تسلط بر نفس است. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «عفو و گذشت سبب عزت و آبرو می‌گردد. چرا که عفو چیزی جز عزت بر انسان نمی‌افزاید» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲۳، ۱۰۸).

۳-۱-۷. سلامت روح

عفو و گذشت سبب سلامت روح و آرامش جان و در نتیجه، سبب طول عمر می‌شود. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «عفو و گذشت سبب سلامت روح و آرامش جان و طول عمر خواهد شد» (ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۳: حدیث ۱۳۱۸۴).

۴-۱-۷. تخفیف احکام

یکی از آثار عفو در سبک زندگی ایمانی تسهیل و تخفیف احکام الهی است. این مهم مورد تاکید شارع مقدس است و همانطور که پیش‌تر اشاره شد به منظور اینکه بندگان دچار عسر و حرج نگردد به ایشان سفارش شد از سئوالات بیهوده که حوزه تشریح را موسع می‌کند پرهیز کنند. همچنین در مواردی همچون شرب خمر^۲، زفاف در ماه

۱. بقره / ۲۳۷ .

۲. نساء / ۴۳ .

رمضان^۱ و... چنین مقوله‌ای در قرآن مجید مشاهده می‌شود.

۷-۱-۵. از بین رفتن کینه توزی

انتقام جویی سبب برافروخته شدن آتش کینه در دلها شده، طرف مقابل را به انتقامی خشن‌تر وا می‌دارد و آن انتقام سبب خشونت بیشتری در جامعه شده، گاه به جنگی تمام عیار در میان طوائف و قبائل بزرگ تبدیل می‌شود. عفو و گذشت جلوی این ناهنجاری‌ها، کینه ورزی‌ها، خشونت‌ها و جنایت‌ها را می‌گیرد و آن را از بین می‌برد و از جهالت‌ها دور می‌سازد^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ۱۶۸).

۷-۲. آثار اخروی

۷-۲-۱. جلب محبت الهی و نزول رحمت الهی

یکی دیگر از آثار عفو جلب محبت و رحمت الهی است. در پرتو چنین موهبیتی رأفت در جامعه دینی حاکم می‌شود. نیکی به مردم، در آشکارو نهان، و گذشت از بدی‌های ایشان، در پی دارنده عفو الهی است.^۳ و همچنین این مهم زمینه‌ساز غفران الهی می‌گردد.^۴ در روایتی آمده است: «در کیفر برای گناه شتاب مکن و بین کیفر و گناه جایی برای گذشت باقی بگذار، با این کار پاداش آخرت و ثواب به دست می‌آوری» (آمدی، ۱۳۸۱: حدیث ۷۵۰۸).

۷-۲-۲. ورود به بهشت

در مواردی مشاهده می‌شود که ورود به بهشت جاویدان، پاداش عفو و گذشت از مردم عنوان گردیده است.^۵ روایت شده است که پیامبر اسلام (ص) فرمود: «آنگاه که بندگان در صحرای محشر گرد آورده شوند، آواز دهنده‌ای ندا می‌دهد آن کس که مزدش با خداست برخیزد و به بهشت رود. گفته می‌شود: چه کسی مزدش با خداست؟ می‌فرمایند: بخشاینندگان مردم» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۲۰: ۴۶۷).

۱. بقره/ ۱۸۷.

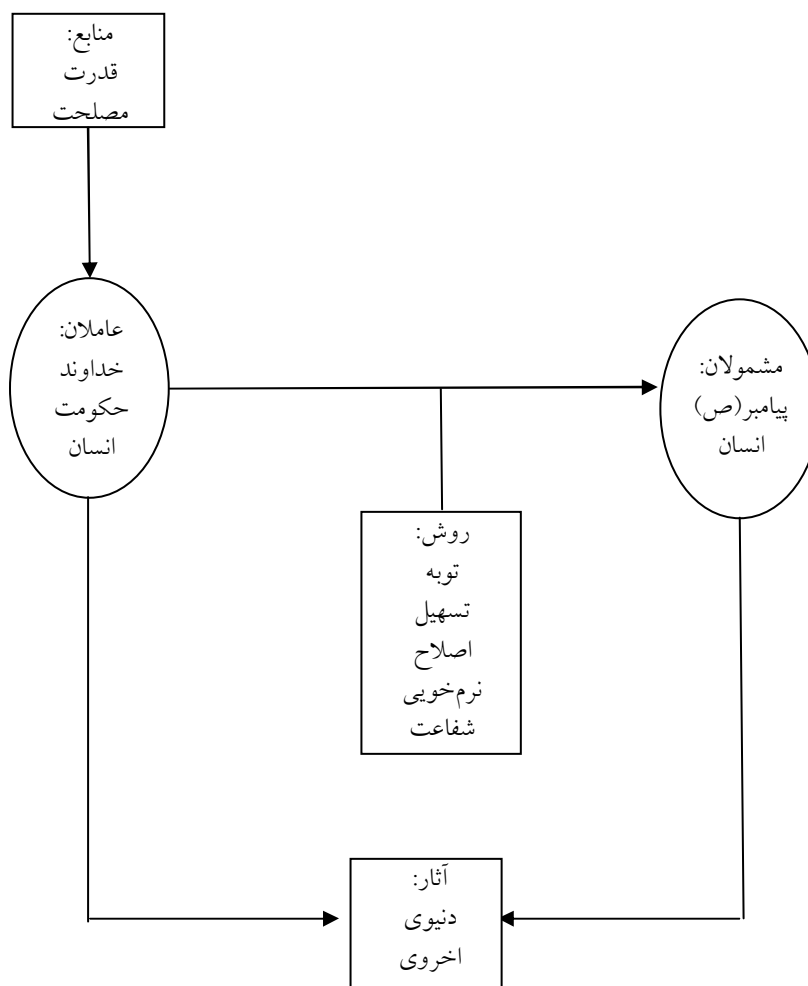
۲. اعراف/ ۱۹۹.

۳. نساء/ ۱۴۹.

۴. تغابن/ ۱۴؛ نور/ ۲۲.

۵. آل عمران/ ۱۳۴.

نمودار ۲: فرایند عفو بر اساس آیات قرآن مجید



جمع‌بندی

«عفو» به مثابه یکی از موضوعات اصلی «اخلاق» مورد تأیید دین مبین اسلام نیز است، اما در نگرش اسلامی تحت تأثیر حوزه‌های ارتباطی پنج‌گانه قرار داشته و تنها تا زمانی بکارگیری آن مجاز شمرده می‌شود که «حق» چه از حیث تکوینی و چه از حیث تشریحی دچار انحراف نگردد. بنابراین در اسلام اگر مواردی پیش آید که عفو و گذشت نظم نظام ارزشی دین را بر هم زند و حقوق مردم از بین رود، برای حفظ نظم دین و جامعه و پیش‌گیری از تکرار جرم و گناه باید از عفو صرف نظر گردد. بنابراین عفو قاعده‌ای مهملی است که ضمن دربرداشتن مقدمات پیشینی در زمینه‌ها و بسترهای

مختلف امکان وقوع یا عدم وقوع پیدا می‌کند.

منابع

- قرآن مجید
- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۱). غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه هاشم رسولی محلاتی. قم: دارالکتاب الاسلامی.
- آیتی، محمد ابراهیم (۱۳۶۹). تاریخ پیامبر اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ابن فارس، معجم مقاییس اللغی، بیروت، دار الجیل، بی تا، ج ۴.
- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد ۲ تهران، نشر میزان ۱۳۸۰.
- اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ ق). بحرال محیط فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالفکر.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۸۸). خدا و انسان در قرآن: معنی شناسی جهان بینی قرآنی، ترجمه احمد آرام. تهران: انتشار.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه. تهران، دنیای دانش.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۸). تاریخ تحول دولت و خلافت. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم.
- حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴ ق). انوار درخشان در تفسیر قرآن، تصحیح و تنظیم محمدباقر بهبودی. تهران: کتاب فروشی لطفی.
- خدایاری فرد، محمد و ... (۱۳۸۱). روش درمانی عفو با تأکید بر دیدگاه اسلامی: بررسی موردی. اندیشه و رفتار، تابستان ۱۳۸۱، شماره ۲۹.
- راغب اصفهانی (۱۳۸۳). المفردات فی الفاظ القرآن. تهران: مرتضوی.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۴). تکنیک های خاص تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ری شهری، محمد (۱۳۸۴). میزان الحکمه. قم: دارالحدیث.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۰) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق رضا ستوده. تهران: انتشارات فراهانی.
- طبرسی، محمدبن جریر (۱۳۵۶). ترجمه تفسیر طبرسی، بتصحیح و اهتمام حبیب یغمایی. تهران: انتشارات توس.
- کریندووف، کلوس (۱۳۷۸). تحلیل محتوا: مبانی روش شناسی، ترجمه هوشنگ نایی. تهران: روش.
- کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۲). اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی. دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (ع).
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۸۰). نقطه های آغاز در اخلاق عملی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر میزان.